



# روایت فتح

خطوط و نمونه راهکارها و کنشگران روایت فتح

ویژه نبرد با دشمن آمریکایی صهیونی



فروردین ۱۴۰۵

הצייר נשר מעורב שחוצאותיה יעשו אותו אומלל.

כעת מוצגת מוזיאוני כוללים באמצעות כ.י. מוזיאוני כוללים!



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





افق در دسترس تمدن‌سازی، در بستر جنگ تحمیلی، در حال رشد و بلوغ در مرحله جامعه‌سازی است؛ مرحله‌ای که کشنده مرحله دولت‌سازی خواهد بود و حالا این مردمندها که با هدایت رهبر شهیدشان و تحت ولایت ولی امرشان، با پرچمداری نسلی نو، کانون تحول‌آفرینی در گام دوم انقلاب شده‌اند؛ مردمی که در مطلع دوران جدید و در چندروزی که کشور بدون رهبر بود، نشان رهبری در دوران گذار را از رهبری معظم دریافت کردند.

ورود آگاهانه و با بصیرت مردم در همه عرصه‌ها و بهره‌مندی از اقیانوس مردم در عمل، ضامن تحولی جهشی در گام دوم انقلاب خواهد بود؛ قدرتی که اگر در صحنه ظاهر نشود، به تعبیر رهبری سوم انقلاب در اولین پیامشان، نه رهبری و نه هیچ یک از دستگاه‌های مختلف، کارایی لازم را نخواهند داشت. نقش‌آفرینی مردم در ایام و لیالی جنگ که در نبرد عزم‌ها و اراده‌ها، لبه جلویی میدان نبرد با آمریکا و اسرائیل بودند و هستند، در کنار اقتدار نظامی و شکوه‌آفرینی فرزندان ایران و جبهه مقاومت در این نبرد، روایت فتحی جدید می‌خواهد، روایت فتح‌الفتوح این جنگ آخرالزمانی؛ روایت مردم؛ روایت انسان عصر جدید.

اما بنا بر همین پیام راهگشا و راهنمای مسیر پیش رو، برای آنکه این معنا بهتر صورت تحقق پیدا کند، رعایت جهاتی لازم است که اگر این جهات مراعات شود، راه وصول ملت عزیز به روزهای عظمت و شکوه هموار خواهد بود و نزدیک‌ترین مصداق آن، می‌تواند باذن‌الله ظفر بر دشمن در جنگ فعلی باشد: «اولاً باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکل بر حضرتشان و توسل به انوار طیبه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین‌کننده انواع گشایش‌ها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزیت عظیمی است که شما واجد آن و دشمنانتان فاقد آن هستند.

ثانیاً؛ باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت که معمولاً در مواقع مضیقه نمود خاصی پیدا می‌کند، خدشه‌ای وارد نشود. این امر با صرف‌نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.

ثالثاً؛ باید حضور مؤثر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شب‌های جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش‌آفرینی‌های مؤثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتی امنیتی. مهم این است

که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، به خوبی درک و تا حد ممکن به اجرا گذاشته شود. یکی از وظایف رهبری و بعضی مسؤولین دیگر گوشزد کردن بعضی از این نقش‌ها به آحاد یا اقشار جامعه است.

رابعاً؛ از کمک و یاری به یکدیگر فروگذار نکنید. بحمدالله خصلت همیشگی بیشتر ایرانیان جز این نبوده و انتظار می‌رود که در این روزهای خاص که طبعاً بر بعضی از آحاد ملت سخت‌تر از بقیه می‌گذرد، این مطلب جلوه بیشتری داشته باشد. در همین مجال از دستگاه‌های خدماتی می‌خواهم که در این جهت از هرگونه یاری و اعانت به آن آحاد عزیز ملت و به ساختارهای مردمی امدادی دریغ نمایند.»

روایت فتح و امتثال امر ولی برای تحقق این چهار وظیفه مردم، پنج تکلیف اساسی مردم و کسانی است که راهبری جریان‌های مردمی را به عهده دارند؛ تکالیفی که اگر امروز به آنها عمل نکنیم، به تکالیف فردا هم عمل نخواهیم کرد و اگر عمل شود، بنا به فرموده نائب امام عصر ارواحنا فداه، راه رسیدن به قله‌ای که نزدیک است، هموار خواهد شد.

وقت آنست که عمل به این تکالیف، با سرعت و دقت بازبینی شود و برای تکمیل خلأها بازنگری‌های لازم انجام شود.

ناظر به اولین امر ولی، به نظر می‌رسد که هر چند توجهات معنوی و توسلات به اهل بیت سلام‌الله‌علیهم در ماه رمضان در میان مردم رواج داشته و تدابیری برای حفظ آن پس از این ماه مبارک نیاز است، اما مهم‌تر از آن، نقطه کانونی این حکم ولی است: تبیین نقش محوری این اکسیر اعظم و کبریت احمر.

ناظر به دومین امر ولی، گفتمان‌سازی عمومی و گفتمان‌سازی میان اقشار تأثیرگذار ضرورت دارد و برای حفظ انسجام و صرف نظر از نقاط مورد اختلاف، لازم است محورهای دارای زمینه اختلاف شناسایی و در این محورها، با آینده‌نگری و واکنش سریع، اقدامات پیشگیرانه و فوری برای رفع اختلافات انجام شود.

ناظر به سومین امر ولی، حضور گسترده‌تر اقشار متنوعی از مردم در میادین، تدابیر لازم را می‌طلبد. نقش‌آفرینی مؤثر مردم در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتی امنیتی هم تمهیدات خود را لازم دارد.

ناظر به چهارمین امر ولی هم راهبری ساختارهای مردمی امدادی و روایت هنرمندانه از امدادهای مردمی جای کار مضاعف دارد.

در خصوص روایت فتح هم، روایت فتوحات بسیاری که تا اینجای جنگ به دست آمده، توجه دادن به استمرار جنگ وجودی و افق‌های جنگ و در عین حال مراحل تحقق اهداف و عدم لزوم تعیین اهداف نهایی در این مرحله از جنگ، ارتقای صبر مردم برای تاب‌آوری در مواجهه با شرایط خاص، تبیین سنن امیدبخش الهی و الهیات جنگ، ترسیم افق‌های روشن ایران فردا در تعاملات جهانی و دستاوردها و امکان‌های گشایش اقتصادی برای ایران، تکمیل حفره روایت فراملی، راهبری جریان‌های رسانه‌ای مردمی برای روایت مردمی فتح و تأکید بر اطاعت از هر تصمیم ولی برای ادامه یا توقف جنگ، الزامات و ضرورت‌های روایت فتح است.

و اما جنگ تحمیلی سوم آمریکا و رژیم صهیونی، چه ادامه یابد و چه بعد از مدتی متوقف شود، برای تحول‌آفرینی در گام دوم انقلاب، امتداد امتثال اوامر ولی و نوسازی و نوآفرینی در عمل به تکالیف پنج‌گانه جریان مردمی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی را در پی خواهد داشت؛ ان شاء الله.

در هر صورت، در کنار توجه جدی به نکات گفته شده ناظر به چهار امر ولی، روایت فتح ضرورتی است که می‌بایست در موقف فعلی به آن پرداختی دقیق شود؛ چه تصمیم بر ادامه جنگ نظامی باشد که این روایت فتح، سوخت حرکتی شتابنده‌تر خواهد بود و چه با تدبیر ولی تصمیم بر توقف جنگ نظامی شود که این روایت فتح سبب می‌شود تا پایان‌بندی موقت جنگ نظامی موجب افسردگی اجتماعی نشود و شوق رسیدن به قله جنگ وجودی حفظ شود.



جنگ‌ها تنها در میدان نبرد رقم نمی‌خورند؛ پیش از آنکه در خاک و آتش تعیین تکلیف شوند، در ساحت معنا، اراده و باور ملت‌ها شکل می‌گیرند. آنچه سرنوشت یک رویارویی تاریخی را رقم می‌زند، صرفاً تعداد سلاح‌ها یا گستره میدان‌ها نیست، بلکه حقیقتی عمیق‌تر است: نسبت یک ملت با ایمان، با عدالت و با اراده‌ای که برای ایستادن در برابر ظلم پیدا می‌کند. در منطق قرآن کریم، جنگ میان جبهه حق و باطل صرفاً نزاعی بر سر قدرت یا سرزمین نیست. این رویارویی تلاشی برای پایان دادن به «فتنه» است؛ همان وضعیتی که در آن ظلم، سلطه و فریب بر زندگی انسان‌ها سایه می‌افکند. قرآن هدف نهایی این مجاهدت را استقرار نظمی می‌داند که در آن حاکمیت مطلق از آن خداوند است و هیچ قدرتی نمی‌تواند خود را بر اراده حق تحمیل کند. از همین روست که در این منطق، آمادگی، استقامت و اقتدار نه یک انتخاب بلکه یک تکلیف است؛ تکلیفی که باید به اندازه‌ای تحقق یابد که دشمنان از قدرت و اراده جبهه حق دچار هراس شوند.

در چنین چارچوبی، «فتح» تنها به معنای پیروزی نظامی نیست. فتح در منطق قرآن و تجربه تاریخی انقلاب اسلامی، فرآیندی چندلایه است که از درون جامعه آغاز می‌شود، در میدان ادراک و سیاست گسترش می‌یابد و سرانجام در عرصه قدرت و میدان نبرد به نتیجه می‌رسد. گاه پیش از آنکه سرزمینی فتح شود، دل‌ها فتح شده‌اند؛ پیش از آنکه دشمن در میدان عقب‌نشینی کند، هیمنه او در ذهن‌ها فرو ریخته است.

مجموعه پیش رو تلاشی است برای روایت این فرآیند. در این روایت، مجموعه‌ای از ساحت‌های مختلف نبرد به‌عنوان نقاط عطف یک رویارویی تاریخی بررسی می‌شوند؛ نبردهایی که هر یک در شکلی متفاوت به تغییر مسیر جنگ و تحول موازنه قدرت انجامیده‌اند. با این حال، این نبردها نه صرفاً به ترتیب زمانی، بلکه در قالب یک منطق مفهومی و الهیاتی بازخوانی شده‌اند.

در این نگاه، مسیر پیروزی از خلال مجموعه‌ای از «فتوحات» شکل می‌گیرد؛ فتوحاتی که از فتح قدسی آغاز می‌شوند، جایی که خون شهیدان به سرمایه‌ای تاریخی برای یک ملت تبدیل می‌شود؛ سپس در فتح اجتماعی به خیزش و بسیج عمومی می‌انجامند؛ در فتح ادراکی هیمنه دشمن را در ذهن‌ها فرو



می‌ریزند؛ در فتح ساختاری نظم سیاسی و رهبری جبهه حق را تثبیت می‌کنند؛ و در نهایت در فتح میدانی و ژئوپلیتیک به تغییر واقعی موازنه قدرت در میدان می‌رسند.

این روایت می‌کوشد نشان دهد که پیروزی در چنین نبردی نه نتیجه یک حادثه ناگهانی، بلکه حاصل پیوند ایمان، اراده مردمی، رهبری، و قدرت میدانی است. هنگامی که این عناصر در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جنگ از یک درگیری صرف فراتر می‌رود و به مرحله‌ای می‌رسد که می‌تواند سرنوشت یک منطقه و حتی یک دوره تاریخی را دگرگون کند.

آنچه در این صفحات روایت می‌شود، شرح همین مسیر است؛ مسیری که از دل بحران آغاز می‌شود، از میان نبردهای سخت عبور می‌کند و سرانجام به نقطه‌ای می‌رسد که می‌توان آن را فتح نامید.



۱

فتح قدسی  
(فتح خون)

۲

فتح اجتماعی  
(انبعاث)



۳

فتح اداری  
(فروپاشی همینه شمن)

۴

فتح ساختاری  
(استقرار نظام ولایی)



۵

فتح میدانی و  
ژئوپلیتیک







**ماهیت:** تبدیل جنگ از یک نزاع سیاسی - نظامی به یک واقعه قدسی در تاریخ جبهه حق از طریق شهادت رهبر.

## گزاره‌های راهبردی

### ◀ گزاره راهبردی اول

خون رهبر شهید، جنگ را از سطح «درگیری قدرت‌ها» به سطح «جهاد تاریخی برای حفظ توحید» ارتقا می‌دهد.

### ◀ گزاره راهبردی دوم

شهادت رهبر نه عامل فروپاشی، بلکه سازوکار بازتولید مشروعیت و انسجام جبهه حق است.

### ◀ گزاره راهبردی سوم

شهادت رهبر، افق جنگ را از پیروزی کوتاه‌مدت نظامی به «تحقق تاریخی آرمان انقلاب» منتقل می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی چهارم

خون رهبر، معیار اخلاقی و الهی پایان جنگ را تعیین می‌کند و مانع از مصالحه‌ای می‌شود که هدف دشمن را تأمین کند.

### ◀ گزاره راهبردی پنجم

شهادت رهبر، سرمایه‌ای نمادین می‌آفریند که توان بسیج اجتماعی و مقاومت بلندمدت را چند برابر می‌کند.

## نسبت با معیار قرآنی فتح

### ◀ رفع فتنه

شهادت رهبر، پروژه دشمن برای ایجاد فروپاشی داخلی و بحران مشروعیت را خنثی می‌کند و فتنه بی‌ثبات‌سازی را می‌شکند.

### ◀ حاکمیت توحید

جهاد از سطح منافع سیاسی به سطح تکلیف الهی ارتقا پیدا می‌کند و خط ولایت به‌عنوان استمرار رهبری توحیدی تثبیت می‌شود.

### ◀ ایجاد رعب در دشمن

دشمن درمی‌یابد که حذف رهبر نه‌تنها نظام را متوقف نمی‌کند بلکه آن را به مرحله‌ای عمیق‌تر از مقاومت وارد می‌کند.

## پیامدهای راهبردی

- تثبیت مشروعیت مسیر مقاومت در داخل کشور



- ایجاد سرمایه عاطفی و معنوی برای بسیج اجتماعی
- تبدیل شهادت به نقطه مرجع روایت تاریخی جنگ
- شکل‌گیری مطالبه عمومی برای ادامه مسیر انقلاب
- تبدیل خون رهبر به «معیار سنجش پایان جنگ»

## جمع‌بندی

در منطق این روایت، فتح با پیروزی نظامی آغاز نمی‌شود؛ بلکه با تقدیس مسیر جهاد آغاز می‌شود.

### ◀ به تعبیر الهیاتی

خون شهید، جنگ را به جهاد تبدیل می‌کند؛ جهاد امت را می‌سازد؛ امت زمینه فتح را فراهم می‌کند. بنابراین فتح قدسی، مبنای همه فتوحات بعدی است.



فتح دوّم

# فتح اجتهادى

(انبعاث)



**ماهیت:** تبدیل سرمایه قدسی خون شهید به قیام اجتماعی امت؛ جایی که جنگ از سطح حاکمیت به سطح اراده عمومی ملت منتقل می‌شود.

## گزاره‌های راهبردی

### ◀ گزاره راهبردی اول

خون رهبر شهید، جامعه را از وضعیت تماشاگر جنگ به **فاعل اصلی جهاد** تبدیل می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی دوم

انبغات مردم، جنگ را از یک نبرد نظامی محدود به **مقاومت ملی فراگیر** ارتقا می‌دهد.

### ◀ گزاره راهبردی سوم

حضور اجتماعی مردم، ظرفیت‌های جنگ را از منابع صرفاً نظامی به **منابع تمدنی جامعه** گسترش می‌دهد.

### ◀ گزاره راهبردی چهارم

مشارکت عمومی، هزینه‌های جنگ را برای دشمن به‌طور تصاعدی افزایش می‌دهد زیرا دشمن دیگر با دولت نمی‌جنگد بلکه با **یک ملت بسیج‌شده** روبه‌رو است.

### ◀ گزاره راهبردی پنجم

نقش‌آفرینی اقشار مختلف جامعه - به‌ویژه جوانان و زنان - شبکه‌ای از **پشتیبانی اجتماعی و معنوی جنگ** ایجاد می‌کند که پایداری مقاومت را تضمین می‌کند.

## نسبت با معیار قرآنی فتح

### ◀ رفع فتنه

انبغات اجتماعی شکاف‌های داخلی و پروژه‌های دوگانه‌سازی دشمن را خنثی می‌کند و جامعه را حول هدف مشترک مقاومت متحد می‌سازد.

### ◀ حاکمیت توحید

وقتی امت به میدان می‌آید، ارزش‌های ایمانی و تکلیف دینی به مبنای کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و نظم اجتماعی حول آرمان توحیدی سامان می‌گیرد.



## ◀ ایجاد رعب در دشمن

دشمن درمی یابد که جنگ با ایران صرفاً مقابله با یک ساختار حکومتی نیست بلکه مواجهه با یک ملت مصمم و بسیج شده است.

## پیامدهای راهبردی

- شکل گیری بسیج اجتماعی گسترده در حمایت از

جبهه مقاومت

- افزایش ظرفیت های لجستیکی، انسانی و معنوی جنگ

- شکست پروژه های دشمن برای ایجاد شکاف اجتماعی

- تثبیت پشتوانه مردمی برای ادامه جنگ تا تحقق

اهداف آن

- تبدیل اراده عمومی جامعه به یکی از منابع اصلی

قدرت در جنگ

## جمع بندی

اگر فتح اول جنگ را قدسی کرد، فتح دوم جنگ را مردمی می کند.

یعنی: خون شهید؛ جامعه را بیدار می کند و جامعه بیدار، امت مقاوم می سازد. این همان نقطه ای است که در منطق قرآن، نصرت الهی به یک جامعه فعال تعلق می گیرد نه صرفاً به یک قدرت سیاسی.



# فتح سؤم فتح ادراکی (فروپاشی همینه دشمن)



**ماهیت:** در این مرحله میدان اصلی نبرد از زمین و دریا به ذهن‌ها و ادراک‌ها منتقل می‌شود. جبهه حق با پایداری اجتماعی و استمرار مقاومت، تصویر قدرت بلامنازع دشمن را در هم می‌شکند و جنگ را وارد مرحله تحول در موازنه ادراکی قدرت می‌کند.

## گزاره‌های راهبردی

### ◀ گزاره راهبردی اول

پایداری جبهه حق در برابر فشارهای نظامی و اقتصادی، تصور شکست‌ناپذیری دشمن را در افکار عمومی منطقه و جهان فرو می‌ریزد.

### ◀ گزاره راهبردی دوم

وقتی دشمن به اهداف راهبردی خود در جنگ نمی‌رسد، روایت پیروزی او در عرصه رسانه و سیاست نیز فرو می‌پاشد.

### ◀ گزاره راهبردی سوم

شکستن هیمنه دشمن، مهم‌ترین پیش‌شرط تغییر موازنه واقعی قدرت در میدان است.

### ◀ گزاره راهبردی چهارم

افشای آسیب‌پذیری‌های دشمن، تصویر قدرت مطلق او را به تصویری از قدرتی محدود و قابل مهار تبدیل می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی پنجم

فروپاشی روایت برتری دشمن، اعتمادبه‌نفس راهبردی جبهه مقاومت را در سطح منطقه‌ای تقویت می‌کند.

## نسبت با معیار قرآنی فتح

### ◀ رفع فتنه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای فتنه، ایجاد ترس و ناامیدی از مقاومت است. شکستن هیمنه دشمن این ابزار را از کار می‌اندازد.

### ◀ حاکمیت توحید

وقتی اسطوره قدرت دشمن فرو می‌ریزد، جامعه از اتکای روانی به قدرت‌های مادی عبور کرده و اعتماد به نصرت الهی تقویت می‌شود.

## ◀ ایجاد رعب در دشمن

دشمن درمی‌یابد که ابزارهای فشار و تهدید او دیگر قادر به تسلیم کردن جبهه حق نیستند؛ این وضعیت آغاز شکل‌گیری رعب معکوس در جبهه دشمن است.

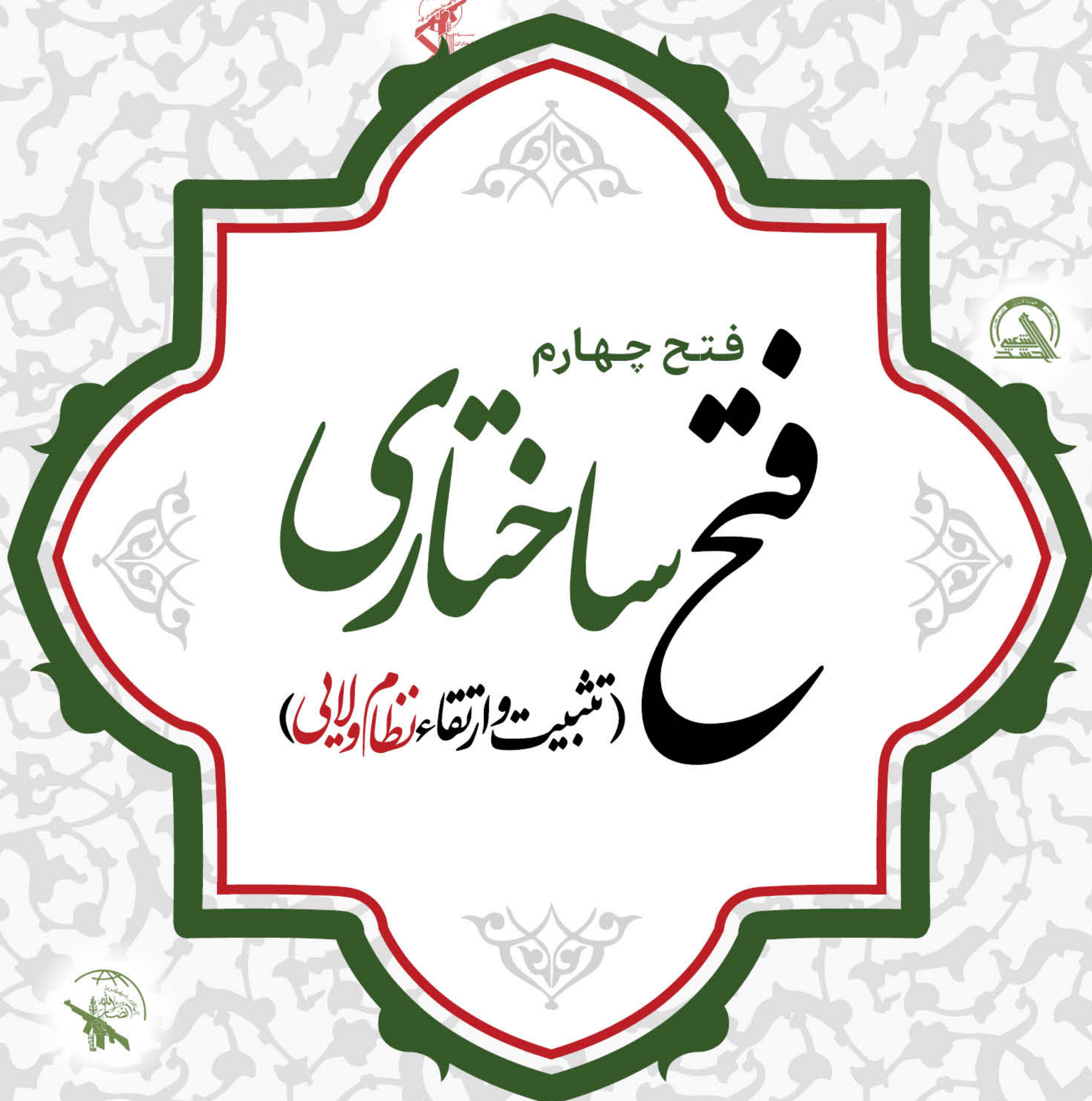
## پیامدهای راهبردی

- تضعیف اعتبار جهانی قدرت دشمن
- افزایش اعتماد به نفس راهبردی در جبهه مقاومت
- گسترش همگرایی نیروهای منطقه‌ای علیه دشمن
- کاهش اثرگذاری جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن
- آماده‌شدن بستر برای تغییر موازنه واقعی قدرت

در میدان

## جمع‌بندی

اگر فتح اول جنگ را قدسی کرد و فتح دوم جنگ را مردمی کرد، فتح سوم دشمن را از درون تصویر قدرتش شکست می‌دهد. در این نقطه، جنگ هنوز به پایان نرسیده، اما بنیاد روانی و ادراکی پیروزی دشمن فروپاشیده است و این همان لحظه‌ای است که در بسیاری از جنگ‌های تاریخی، مسیر پیروزی نهایی تغییر می‌کند.



فتح چهارم  
نخست‌اختری  
(تثبیت و ارتقاء نظام ولایی)

**ماهیت:** در این مرحله جبهه حق از مرحله واکنش به بحران عبور کرده و نظم سیاسی و ساختار فرماندهی خود را تثبیت می‌کند و ارتقاء می‌دهد. دشمن تلاش دارد با ترور، فشار و ایجاد خلأ قدرت، ساختار حاکمیت را فروپاشد؛ اما اگر نظام سیاسی بتواند به سرعت خود را بازتولید کند، این امر به یک فتح راهبردی تبدیل می‌شود.

## گزاره‌های راهبردی

### ◀ گزاره راهبردی اول

توانایی نظام در انتقال سریع و پایدار رهبری، مهم‌ترین عامل خنثی‌سازی راهبرد دشمن برای ایجاد خلأ قدرت است.

### ◀ گزاره راهبردی دوم

استمرار نظم ولایی نشان می‌دهد که قدرت سیاسی جبهه حق وابسته به یک فرد نیست بلکه بر یک ساختار اعتقادی و نهادی پایدار استوار است.

### ◀ گزاره راهبردی سوم

شکست راهبرد ترور رهبران، دشمن را از مؤثر بودن یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نامتقارن ناامید می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی چهارم

بازآرایی ساختارهای تصمیم‌گیری و فرماندهی در شرایط جنگی، ظرفیت اداره جنگ طولانی‌مدت را برای نظام فراهم می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی پنجم

ثبات ساختاری در اوج بحران، پیام روشنی به جامعه و منطقه می‌دهد که نظام سیاسی توان عبور از شدیدترین فشارها را دارد.

## نسبت با معیار قرآنی فتح

### ◀ رفع فتنه

فتنه‌ای که دشمن با هدف بی‌ثبات‌سازی سیاسی و ایجاد هرج و مرج طراحی کرده است با تثبیت ساختار رهبری خنثی می‌شود.

### ◀ حاکمیت توحید

استمرار ولایت به‌عنوان محور نظم سیاسی، حاکمیت ارزش‌های دینی و جهت‌گیری توحیدی نظام را تثبیت می‌کند.



## ◀ ایجاد رعب در دشمن

وقتی دشمن می‌بیند که حتی شدیدترین ضربات نیز به فروپاشی ساختار حاکمیت منجر نمی‌شود، اعتماد او به امکان پیروزی کاهش می‌یابد.

## پیامدهای راهبردی

- تثبیت ساختار رهبری و فرماندهی در شرایط جنگ
- ناکامی راهبرد دشمن برای ایجاد فروپاشی سیاسی
- افزایش اعتماد عمومی به ثبات نظام
- تقویت توان مدیریت جنگ در سطح ملی
- ارسال پیام بازدارنده به دشمن درباره استحکام ساختار حاکمیت

## جمع‌بندی

اگر فتح اول جنگ را قدسی کرد و فتح دوم جنگ را مردمی کرد و فتح سوم هیمنه دشمن را شکست، فتح چهارم نظام سیاسی جبهه حق را تثبیت می‌کند. در این مرحله، جبهه حق از خطر فروپاشی درونی عبور کرده و آماده ورود به مرحله‌ای می‌شود که نتیجه جنگ در آن به‌طور ملموس در موازنه قدرت دیده می‌شود.





**ماهیت:** در این مرحله، نتایج فتوحات قدسی، اجتماعی، ادراکی و ساختاری در **میدان واقعی قدرت** ظاهر می‌شود. جبهه حق با استفاده از ظرفیت‌های نظامی، منطقه‌ای و راهبردی، موازنه قدرت را تغییر می‌دهد و دشمن را در موقعیتی قرار می‌دهد که ادامه جنگ برای او پرهزینه و پرخطر شود.

## گزاره‌های راهبردی

### ◀ گزاره راهبردی اول

وقتی مقاومت داخلی با ظرفیت‌های منطقه‌ای پیوند می‌خورد، جنگ از یک درگیری ملی به **مواجهه‌ای ژئوپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای** تبدیل می‌شود.

### ◀ گزاره راهبردی دوم

گسترش میدان نبرد به حوزه‌های راهبردی انرژی، دریا و زیرساخت‌ها، هزینه جنگ را برای دشمن به سطحی بازدارنده افزایش می‌دهد.

### ◀ گزاره راهبردی سوم

ایجاد ناامنی راهبردی برای منافع دشمن در منطقه، ابتکار عمل جنگ را از دست او خارج می‌کند.

### ◀ گزاره راهبردی چهارم

پیوند جبهه‌های مختلف مقاومت، دشمن را با یک **شبکه چندمیدانی از تهدیدها** مواجه می‌کند که مهار آن فراتر از توان اوست.

### ◀ گزاره راهبردی پنجم

تغییر موازنه ژئوپلیتیک جنگ، دشمن را از موقعیت تهاجمی به موقعیت دفاعی منتقل می‌کند.

## نسبت با معیار قرآنی فتح

### ◀ رفع فتنه

شبکه نفوذ و سلطه دشمن در منطقه که بستر اصلی فتنه و بی‌ثباتی است تضعیف می‌شود.

### ◀ حاکمیت توحید

جبهه حق با تثبیت حضور و نفوذ خود در معادلات منطقه‌ای، امکان تحقق نظم عادلانه‌تری را در منطقه فراهم می‌کند.

## ◀ ایجاد رعب در دشمن

توانایی جبهه مقاومت در تهدید منافع حیاتی دشمن، رعب راهبردی ایجاد می‌کند و محاسبات او را تغییر می‌دهد.

## پیامدهای راهبردی

- تغییر موازنه قدرت در سطح منطقه
- افزایش قدرت بازدارندگی جبهه مقاومت
- تهدید منافع راهبردی دشمن در حوزه‌های انرژی و تجارت
- تقویت همگرایی نیروهای مقاومت در منطقه
- انتقال ابتکار عمل جنگ از دشمن به جبهه حق

## جمع‌بندی

اگر فتح اول جنگ را قدسی کرد و فتح دوم جنگ را مردمی کرد و فتح سوم هیمنه دشمن را شکست و فتح چهارم نظم سیاسی جبهه حق را تثبیت کرد، فتح پنجم موازنه واقعی قدرت را در میدان تغییر می‌دهد.

در این مرحله، جنگ وارد فازی می‌شود که دشمن نه تنها در روایت و سیاست، بلکه در واقعیت ژئوپلیتیک نیز با محدودیت‌های جدی روبه‌رو می‌شود و این همان نقطه‌ای است که زمینه تحقق فتح نهایی و پایان جنگ شکل می‌گیرد..



## نمونه کنشگران و راهکارها

### « مبلغین

- موکب های تبیینی در میادین تجمع
- سحرانی کوتاه در تجمعات

### « معلمان

- نوشتارهای کوتاه در گروه های دانش آموزی و والدین
- ویدیو و صوت های تبیینی کوتاه متناسب با فهم دانش آموز

### « نوجوانان

- براکت های روایت فتح و توزیع در سطح شهر
- داستانک های فتح برای روایت دانش آموزی

### « بانوان

- زنجیره تواصی و تبیین تلفنی با خویشاوندان
- دورهمی بانوانه و بیان روایت های جنگ

### « آقایان

- گپ و گفت های کوتاه در محل کار
- حماسه استقلال
- پاسخ به شبهات در مهمانی های خانوادگی

### « اندیشه ورزان و اساتید

- تولید نوشتارهای روایت فتح در موضوعات مختلف
- برگزاری نشست های تحلیلی
- خلق معنا های جدید و حرف های نو نسبت به آنچه رقم خورد برای استفاده فعالان تبیینی

### « دانشجویان

- کرسی های آزاداندیشی خیابانی
- مطالبه از اساتید برای صحبت و ارائه صحیح از صحنه